

پیامدهای کنوانسیون حقوقی دریای خزر

هشدار کارشناس مسائل قفقاز نسبت بهب روند تصویب

کنوانسیون حقوقی دریای خزر

بخش اول

گروه گفت و گو – نفیسه عبدالهی – ارسال

لایحه کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر به دولت و زمزمه ارسال آن به مجلس شورای اسلامی، پس از سال‌ها بلاتکلیفی، بار دیگر بحث درباره رژیم حقوقی این پهنه آبی را به یکی از موضوعات مهم سیاسی و حقوقی کشور تبدیل کرده‌است. موافقان، تصویب کنوانسیون را گامی برای تثبیت رژیم حقوقی خزر، تقویت امنیت کشورهای ساحلی و جلوگیری از حضور نظامی کشورهای غیر ساحلی می‌دانند؛ در مقابل، منتقدان نسبت به پیامدهای برخی مواد آن برای حقوق ایران، تعیین حدود بستر وزیر بستر، خط مبدأ، پروژه‌های انتقال انرژی و وضعیت امنیتی منطقه پرسش‌هایی جدی مطرح می‌کنند.

در شرایطی که منطقه شاهد تحولات امنیتی گسترده‌ای است و هم‌زمان مناسبات جمهوری آذربایجان، روسیه، ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی نیز دستخوش تغییرات مهمی شده‌این پرسش اهمیت بیشتری پیدا کرده‌است که تصویب کنوانسیون چه حقوقی برای ایران ایجاد می‌کند و در مقابل، چه اهرم‌هایی را ممکن است از کشور بگیرد؟

در همین زمینه، مهدی سیف تیریزی درباره ابعاد حقوقی، امنیتی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی کنوانسیون حقوقی دریای خزر به گفت‌وگو نشستیم.

سؤال: در ابتدای بحث، برای آشنایی بیشتر مخاطبان، توضیحی کلی درباره کنوانسیون حقوقی دریای خزر بفرمایید. همچنین با توجه به اینکه در شرایط فعلی، منطقه غرب آسیا درگیر تحولات و جنگ میان ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی است، چه‌شد که موضوع این کنوانسیون در چنین مقطعی را دیگر مطرح وبه یکی از اخبار مهم روز تبدیل شد؟

اجازه بدهید ابتدا سلامی عرض کنم خدمت شما و ببیندگان این برنامه در خیر گزاری مهر، خیلی ممنونم از شما که به بررسی این موضوع و لایحه‌های مختلف آن می‌پردازید. فکرمی‌کنم یکی از بزرگ‌ترین پرسش‌هایی که در حال حاضر برای بسیاری از کارشناسان حوزه مسائل داخلی، سیاسی و بین‌الملل مطرح است، این است که اساساً در شرایط فعلی چه ضرورتی وجود داشت که دولت، آن هم با این فوریت، لایحه کنوانسیون حقوقی دریای خزر را به مجلس شورای اسلامی ارسال کند؟ حداقل هفت یا هشت سال از زمان امضای این کنوانسیون توسط دولت وقت گذشته است. در همان مقطع نیز مجلس شورای اسلامی و کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، به دلایل مختلف و با توجه به ابهامات و مشکلاتی که در این سند وجود داشت، با آن موافقت نکردند و ایرادات و ملاحظات نسبت به آن مطرح شد.

نکته مهم این است که تا امروز بسیاری از این ابهامات و ایرادات، به‌صورت شفاف و اساسی بر طرف نشده‌اند. در واقع، بندها و مواد مختلف این کنوانسیون همچنان محل بحث و سوال هستند. با وجود این، دولت در شرایطی که کشور درگیر یک جنگ است و هنوز تکلیف بسیاری از مسائل مربوط به جنگ با رژیم صهیونیسم و آمریکا مشخص نشده، تصمیم گرفته‌است این لایحه را در چنین مقطعی به مجلس ارسال کند. این در حالی است که یکی از مهم‌ترین موضوعات روز کشور، مسئله حاکمیت و مدیریت ایران بر تنگه هرمز و ابعاد حقوقی و سرزمینی آن است.

از سوی دیگر، مجلس شورای اسلامی نیز در شرایط فعلی با محدودیت‌ها و معذورت‌های امنیتی خاصی مواجه است. طبیعتاً در چنین وضعیتی، بر گزاری جلسات کارشناسی گسترده، بررسی دقیق ابعاد حقوقی، امنیتی و ژئوپلیتیکی کنوانسیون و دعوت از کارشناسان مختلف، مانند شرایط عادی امکان‌پذیر نیست. بنابراین به نظر می‌رسد دولت با ارسال این لایحه، عملاً فشار و فوریتی را متوجه مجلس کرده‌است که کنوانسیون در شرایطی خاص بررسی و تصویب شود؛ در حالی که به اعتقاد من، این سند همچنان دارای ابهامات و ایرادات جدی است. اگر بخواهیم دقیق‌تر به محتوای کنوانسیون نگاه کنیم، می‌توان گفت به‌جز یکی دو بندی که دولت و وزارت امور خارجه از آنها به‌عنوان دستاورد و حتی «برگ برنده» ایران بادی می‌کنند که البته درباره همان موارد نیز بحث و تفقه‌ای کارشناسی وجود دارد، در بسیاری از بندهای دیگر با ابهام مواجه هستیم.

نگرانی اصلی این است که تصویب چنین سندی بدون رفع کامل ابهامات، می‌تواند در میان مدت و بلندمدت تبعاتی برای منافع ملی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند. به همین دلیل، سؤال اساسی این است که چرا باید این کنوانسیون در شرایط فعلی و پیش از آنکه مقدمات کارشناسی و حقوقی لازم درباره آن انجام شود، به مجلس ارسال و برای تصویب آن اقدام شود؟ به‌ویژه اینکه در شرایط کنونی، افکار عمومی انتظار دارد مسائل مهم‌تر و فوری‌تری از جمله ابعاد حقوقی حاکمیت ایران بر تنگه هرمز و موضوعات مرتبط با تمامیت سرزمینی و امنیت ملی کشور، با دقت و اولویت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد.

به همین ابهامات بپردازیم. مهم‌ترین نکاتی که به گفته شما، بعد از حدود هفت سال همچنان بر طرف نشده و حالا دوباره در قالب این لایحه به مجلس آمده، چیست؟ ما یک‌سری ابهامات داریم و یک‌سری سوالات را باید از دولت وقت و وزیر امور خارجه اسبق پرسیم. از جمله اینکه چرا در مقدمه این کنوانسیون، در نشست‌ی که بر گزار شد، به هیچ عنوان به قرار دادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ اشاره نشد؛ قرار دادهای شوروی سابق در نظر گرفته شده بود.

بر اساس این قرار دادها، بعد از محدوده ۱۰ مایلی که اجازه ماهیگیری وجود داشت، استفاده از مابقی پهنه دریا کاملاً مباح بود و حق کشتیرانی نیز وجود داشت. در قرارداد ۱۹۴۰، اگر اشتباه نکنم، این دریا، دریای ایران و شوروی خوانده می‌شود و هیچ کشور دیگری اجازه ورود به آب‌های این پهنه را نداشت. سؤال این



کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر؛ تهدیدی برای منافع راهبردی و تمامیت ارضی ایران



زمانی که مرز آبی ما هنوز مشخص نشده، تعیین تکلیف درباره بستر کاملاً اشتباه است.

سیف تیریزی: چرا باید اهرم‌های ایران در خزر را بدست خود واگذار کنیم؟

آیا این لایحه کنوانسیون درباره بستر هم اظهار نظر می‌کند؟

بله، درباره بستر هم اظهار نظر می‌کند. همان‌طور که عرض کردم، می‌گوید بستر و زیر بستر و پهنه دریایی، بر اساس قرار دادهای ۱۹۴۱ تعیین تکلیف می‌شود.

حتی در بند ۱۴ هم که نکته بسیار مهمی دارد و به آن می‌رسیم، موضوع بر اساس قرار دادهای کشورهای مقابل تعیین تکلیف می‌شود. یعنی اگر آذربایجان و ترکمنستان، حق جلوتر درآنه از صحبت بخواهیم کرد، به تفاهمی دست پیدا کنند، دیگر ایران نمی‌تواند درباره آن اظهار نظر کند؛ در صورتی که الان موضوع کاملاً متفاوت است.

یکی دیگر از ابهاماتی که این لایحه کنوانسیون دارد، این است که هنوز در این کنوانسیون خط مبدأ مشخص نشده است. خط مبدأ یعنی اینکه آن ۱۵ مایل دریایی حاکمیتی یا دریایی سرزمینی، از کجا محاسبه شود. البته در نشست وزرا هم این موضوع مطرح شد که ما به دلیل نوع خط ساحلی مان، که از لحاظ جغرافیایی خط ساحلی معمولی نیست، باید خط مبدأ را در جای دیگری تعیین کنیم، به‌صرفاً از ساحل فعلی مابقی کشورها را که در نقشه نگاه کنید، تقریباً از مرز خودشان ۱۵ مایل، آب ساحلی و آب حاکمیتی دارند که در آن اعمال حاکمیت می‌کنند. ترکمنستان در همان نقشه، حالتی شبیه یک خلیج دارد، اما جالب این است که آن قسمت خلیج را جزو آب‌های داخلی و ساحلی خودش حساب کرده و از جلوی آن، خط مبدأ را در نظر گرفته و ۱۵ مایل را از آنجا محاسبه کرده‌است.

یکی از قواعد این است که ما هم می‌توانیم همین ادعا را نسبت به خط مرزی حبسینلی – آستارا داشته باشیم و بگوییم این قسمت جزو آب‌های داخلی و سرزمینی ما محسوب می‌شود و آب حاکمیتی ما بعد از این محدوده شروع شود و ۱۵ مایل بعد از این خط مبدأ محاسبه شود. در حالی که اصلاً درباره این موضوع در این کنوانسیون صحبتی نشده‌است. می‌تواند ترکمنستان که دولت وقت انجام داده، این بود که توانست در مذاکرات میان وزرای خارجه کشورهای ساحلی، موضوع تعیین خط مبدأ را به شکلی پیش ببرد که در مورد کشوری که به دلیل شرایط نامناسب خط ساحلی، وضعیت متفاوتی دارد، اصل اضافه مورد توجه قرار بگیرد. البته در آن مقطع ترکمنستان با این موضوع موافق نبود. به هر حال، این را می‌توان یکی از اقدامات مثبت دولت وقت و وزیر امور خارجه بدست. اما همچنان ابهاماتی وجود دارد و اگر شما این کنوانسیون را امضا و تصویب کنید، باید توجه داشته باشید که اصل ماده ۲ ممکن است مفاد و برداشت دیگری را مطرح کند.

در مورد بند ۳ کنوانسیون، که بخش نظامی آن است و دولت جمهوری اسلامی و وزارت امور خارجه نیز بیشتر روی آن تأکید دارند، گفته می‌شود کشورهای ساحلی اجازه ندارند به کشورهای غیر ساحلی اجازه ورود یا حضور نیروهای دریایی یا کشتی‌های نظامی را در دریای خزر بدهند. همچنین کشورهای فراساحلی اجازه ایجاد پایگاه نظامی در سواحل این دریا را ندارند و به هیچ عنوان نباید حضور نظامی کشورهای خارج از پنج کشور ساحلی در این پهنه اتفاق بیفتد؛ چه در قالب حضور مستقیم، چه مانور مشترک و چه به شکل دیگر.

نکته‌ای که وزارت امور خارجه و دولت بر آن تأکید می‌کنند این است که این بندی می‌تواند برای ایران یک دستاورد باشد؛ یعنی با تصویب کنوانسیون، این ممنوعیت تبدیل به یک تمهید حقوقی لازم‌الاجرا شود و کشورهای دیگر نتوانند وارد دریای خزر شوند.

اگر صرفاً از این زاویه نگاه کنیم، طبیعتاً نکته مثبتی است. اما باید به یک واقعیت تاریخی هم توجه کنیم. دریای خزر به دلیل بسته بودن و شرایط جغرافیایی خاص خود، اساساً تاکنون محل حضور نظامی کشورهای خارجی نبوده‌است. چه در دوره‌ای که ایران و شوروی در این دریا حضور داشتند و چه پس از شکل‌گیری پنج کشور ساحلی، هیچ کشور خارجی خارج از این پنج کشور نتوانسته حضور نظامی مستقیمی در دریای خزر داشته باشد. بنابراین سؤال این است که چیزی که عملاً وجود نداشته، چگونه می‌تواند به عنوان یک دستاورد جدید معرفی شود؟ اگر ماضی‌فاقی وضعیت موجود را تبدیل به یک قاعده حقوقی کنیم، این یک موضوع است؛ اما اینکه آن را به عنوان یک امتیاز جدید مطرح کنیم، موضوع دیگری است. به همین دلیل، به نظر من در این بخش باید با دقت بیشتری نگاه کرد و ممکن است جنبه‌های سیاسی و رسانه‌ای نیز در نحوه طرح این موضوع وجود داشته باشد.

یعنی در دریای خزر تاکنون هیچ کشور خارجی حضور نداشته و هیچ مانور مشترکی هم با کشورهای غیرساحلی بر گزار نشده‌است؟

بر گزاری مانور مشترک نظامی مستلزم این است که حداقل یک کشور نظامی از کشور طرف مانور در منطقه حضور داشته باشد. مثلاً اگر شما بخواهید با آمریکا یا اسرائیل مانور مشترک بر گزار کنید، بالاخره باید یک نلو یا ناوچه از آن کشور وارد دریای خزر شود و در مانور شرکت کند. اما درای خزر یک دریای بسته است و کشورهای غیرساحلی اساساً امکان ورود شناورهای نظامی خود به آن را ندارند. بنابراین وقتی می‌گوییم «ما جلوی حضور کشورهای خارجی در خزر را گرفته‌ایم»، باید توجه کنیم که بر اساس شرایط جغرافیایی و قواعدی که تاکنون بر این دریا حاکم بوده، چنین حضوری

اساساً وجود نداشته است.

البته اینجا یک موضوع مهم مطرح می‌شود و آن، همکاری کشورهای ساحلی با کشورهای فراساحلی است. در این زمینه، دو کشور قزاقستان و جمهوری آذربایجان نسبت به سایر کشورهای ساحلی، همکاری‌های گسترده‌تری با کشورهای خارج از منطقه داشته‌اند. برای مثال، قزاقستان با آمریکا همکاری‌های نظامی و اقتصادی مختلفی دارد و حضور شرکت‌های آمریکایی در بخش انرژی این کشور نیز قابل توجه است. از سوی دیگر، جمهوری آذربایجان از ابتدای استقلال خود در سال ۱۹۹۱، روابط نظامی و امنیتی گسترده‌ای با اسرائیل برقرار کرده‌است. این روابط شامل فروش تجهیزات نظامی و همکاری‌های امنیتی بوده و تا امروز نیز ادامه داشته است.

بنابراین وقتی بحث نظامی را مطرح می‌کنیم، ابهامات زیادی وجود دارد. اگر چیزی تاکنون در عمل وجود نداشته، اینکه همان وضعیت را به عنوان یک دستاورد جدید به مردم معرفی کنیم، به نظر من قابل نقد است.

این کنوانسیون در بند ۲ می‌تواند یک ممنوعیت حقوقی ایجاد کند، اما سؤال اصلی این است که آیا می‌تواند مانع استفاده احتمالی یک کشور ساحلی از قلمرو، آب‌های سرزمینی یا امکانات خود برای انجام عملیات علیه ایران شود یا خیر. اینجا یک سؤال اساسی مطرح می‌شود. آیا ما چیزی بالاتر از منشور سازمان ملل داریم؟ قاعدتاً هر کنوانسیون بین‌المللی باید در چارچوب حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل باشد. اگر حتی منشور سازمان ملل نقض شود، چه تضمینی وجود دارد که یک کنوانسیون منطقه‌ای بتواند جلوی چنین اتفاقی را بگیرد؟

ما در همین جنگ ۱۲ روزه و اتفاقات اخیر شاهد بدویم که از خاک سرزمینی کشورهای دیگر علیه جمهوری اسلامی اقداماتی انجام شد. آن منشور سازمان ملل که بالاتر نداریم، بنابراین آیا این کنوانسیون قرار است جلوی چنین اتفاقی را بگیرد؟ مثلاً اگر جمهوری آذربایجان بخواهد اقدامی علیه ایران انجام دهد، دقیقاً چه اتفاقی قرار است بیفتد؟ آیا این کنوانسیون ضمانت اجرای مشخصی دارد؟ دقیقاً مسئله همین جاست. آن قواعد اساسی حقوق بین‌الملل و حتی منشور سازمان ملل فقط این انتظار داشت صرفاً یک کنوانسیون منطقه‌ای به‌طور خودکار مانع آن اقدام شود. اگر قرار است گفته شود این کنوانسیون برای ایران حق جدیدی ایجاد می‌کند، باید مشخص شود این حق چگونه قابل اجراست و اگر یکی از کشورهای عضو آن را نقض کرد، چه سازوکار مشخصی برای برخورد با آن وجود دارد. در غیر این صورت، ممکن است صرفاً بازی با الفاظ و عبارات حقوقی مواجه باشیم؛ یعنی متنی را به عنوان یک دستاورد بزرگ مطرح کنیم، در حالی که در شرایط واقعی هنوز مشخص نیست چه ابزار اجرایی جدیدی در اختیار ایران قرار می‌دهد.

یکی دیگر از ابهامات مهم، این کنوانسیون این است که الزاماً شرایط واقعی و تحولات آینده منطقه را در نظر نمی‌گیرد. حتی در موضوع نظامی نیز این سؤال مطرح است که چرا اگر قرار است این کنوانسیون تصویب شود، برای شرایط جدید احتمالی آینده، تر نیابت تکمیلی یا الحاقیه‌های لازم در نظر گرفته نشود؟

من این سؤال را از دوستان وزارت امور خارجه دارم، امروز جمهوری آذربایجان در بر خسی بر خاسته‌ها و تمرینات مرتبط با ناو مشارکت دارد. اگر در آینده همکاری‌های نظامی آذربایجان با ناو گسترده‌تر شود و این کشور در چارچوب مأموریت‌های بین‌المللی، همکاری‌های نظامی خود را توسعه دهد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟

در گرجستان نیز همکاری‌های نظامی با ناو وجود دارد و نیروهای این کشور در قالب مأموریت‌های مختلف بین‌المللی مشارکت داشته‌اند. حالا اگر در آینده شرایط به شکلی تغییر کند که نیروهای نظامی یا شناورهای جمهوری آذربایجان در چارچوب یک مأموریت بین‌المللی در دریای خزر حضور پیدا کنند، سؤال من این است شما دقیقاً چه کار می‌خواهید بکنید؟ دستاویز حقوقی و ابزار حقوقی ایران برای جلوگیری از این اتفاق چیست؟

حداقل اگر قرار است این کنوانسیون تصویب شود، می‌توان درباره تر نیابت تکمیلی آن مذاکره کرد و گفت شرایط جدید منطقه‌ای باید در متن حقوقی مورد توجه قرار بگیرد. اگر قرار است این کنوانسیون برای ایران الزام‌آور باشد، باید متافع و نگرانی‌های ایران نیز به‌صورت روشن و قابل اجرا در آن لحاظ شود. من نمی‌گویم اصل تصویب کنوانسیون الزاماً نباید انجام شود؛ حرف من این است که قبل از تصویب باید دقیقاً مشخص کنیم چه آورده‌ای برای ایران دارد، چه تعهداتی ایجاد می‌کند، چه ضمانت اجرایی دارد و هر برابر سناریوهای آینده چه ابزار حقوقی در اختیار ما قرار می‌دهد. وقتی هنوز درباره این مسائل ابهام وجود دارد، سؤال منطقی این است که چرا باید با عجله آن را تصویب کنیم؟ اگر قرار است تصویب شود، ابتدا باید ابهامات برطرف شود و منافع ایران به شکل روشن‌تری در متن و تر نیابت حقوقی آن تضمین شود.

نکته بعدی این است که ما در حال حاضر در دریای کاسپین، آن چیزی را که به عنوان حاکمیت خودمان در نظر می‌گیریم، بر مبنای سهم ۲۰ درصدی اعمال می‌کنیم. مثلاً این مسائل ابهام وجود دارد، سؤال منطقی این است که چرا باید با عجله آن را تصویب کنیم؟ اگر قرار است تصویب شود، ابتدا باید ابهامات برطرف شود و منافع ایران به شکل روشن‌تری در متن و تر نیابت حقوقی آن تضمین شود.

محدوده حضور دارند.

ادامه دارد...



چهارشنبه- ۴ شهریور ۱۴۰۵- سال دوازدهم- شماره ۲۵۶۸

اقتصاد دریا

ایران زمین

با افتتاح شهرک شیلاتی شریف

آباد؛ اردبیل می‌تواند به قطب

ارزآوری شیلات کشور تبدیل شود



همزمان با هفته دولت، معاون وزیر و رئیس سازمان شیلات ایران، در آیین افتتاح شهرک تخصصی کشاورزی اردبیل گفت: ظرفیت‌های این استان در تولید انواع آبریان، زالو و ماهیان زینتی، مسیر تازه‌ای برای رونق تولید، اشتغال و ارزآوری کشور فراهم می‌کند. به گزارش اقتصادسراسرآمد، امروز ۳ شهریور ۱۴۰۵ با اشاره به ظرفیت‌های متنوع این حمزه رستم‌پور و هیات همراه در سفر به استان اردبیل و در آیین افتتاح شهرک تخصصی کشاورزی استان اردبیل، جایگاه استان را در اقتصاد شیلات کشور ارتقا دهد. وی افزود: ظرفیت‌های شیلاتی اردبیل تنها به تولید ماهی محدود نمی‌شود و حوزه‌هایی مانند پرورش زالو و ماهیان زینتی نیز از توانمندی‌های قابل توجه استان به شمار می‌رود که توسعه آن‌ها می‌تواند به ایجاد ارزش افزوده و ارزآوری برای کشور منجر شود. معاون وزیر جهاد کشاورزی با تأکید بر ضرورت تقویت تولید داخلی تصریح کرد: با افزایش تولید و استفاده از ظرفیت‌های موجود در استان‌ها، می‌توان نیاز کشور به واردات برخی محصولات را کاهش داد و بخش بیشتری از تقاضای بازار را از مسیر تولید داخلی تأمین کرد. رستم‌پور همچنین با اشاره به افتتاح بیش از ۱۴ همت پروژه در حوزه شیلات گفت: روند اجرای طرح‌های شیلاتی و فعالیت‌های صید و صیادی، حتی در شرایط دشوار نیز متوقف نشد و فعالیت این بخش نقش مؤثری در استمرار تولید و تأمین سازمان شیلات ایران خاطر نشان کرد. در این مدت، بیش از سه میلیون تن نهاده از مبادی شمالی وارد کشور شد تا بخش تولید تأمین و پایداری زنجیره تأمین حفظ شود. رستم‌پور در پایان تأکید کرد: توسعه زیرساخت‌ها، جذب سرمایه‌گذاری و مشارکت فعال بخش خصوصی، زمینه شکوفایی ظرفیت‌های شیلاتی اردبیل و تبدیل این استان به یکی از قطب‌های تولید و ارزآوری در کشور را فراهم خواهد کرد.

میز خدمت شیلات، در بچه‌ای

گشوده به روی تکریم مردم

به‌مناسبت هفته دولت و روز کارمند، سازمان شیلات ایران با استقرار میز خدمت، بر اولویت پاسخگویی بی‌واسطه و تسهیل امور مراجعان تأکید کرد. به گزارش اقتصادسراسرآمد، همزمان با فرارسیدن هفته دولت و گرامیداشت روز کارمند، سازمان شیلات ایران با تکیه بر شعار «کارمند، طلایه‌دار خدمت»، میز خدمت خود را برای استقبال از مراجعان و بهره‌بردان حوزه ابزی پروری فعال کرد. در این اقدام ویژه، کارشناسان و مدیران سازمان با هدف تکریم آرباب‌رجوع و کاهش بروکراسی اداری، حضور مستمر خود را در میز خدمت، به معنای گوشودن در بچه‌ای جدید برای تسهیل امور و رفع دغدغه‌های تولیدکنندگان اختصاص دادند. این میز خدمت، بستری برای شنیدن مستقیم صدای بهره‌برداران و ارائه راهکارهای فوری جهت رفع موانع تولید است. سازمان شیلات ایران با باور به این اصل که خدمت به مردم، بالاترین وظیفه است، تلاش می‌کند در این مناسبت، نمادی از تعهد و پاسخگویی خود را به نمایش بگذارد. حضور فعالانه کارکنان در میز خدمت، نشان‌دهنده روحیه جهادی آن‌ها در مسیر تحقق اهداف کلان توسعه پایدار شیلاتی و حمایت همه‌جانبه از زنجیره ارزش تولید است. این رویکرد، نشان از عزم راسخ سازمان برای تبدیل شدن به نهادهای پاسخگو و خدمت‌رسان دارد که در آن، هر کارمند با تکیه بر تخصص خود، در جایگاه یک طلایه‌دار، در مسیر پیشرفت صنعت ارزی پروری کشور گام برمی‌دارد.

ریل در مسیر بهره‌وری؛

راه‌آهن به دنبال افزایش ظرفیت و

کاهش زمان سیر

قائم‌مقام مدیرعامل راه‌آهن، در نشست کمیسیون عالی گراف، با تأکید بر تدویم خدمت‌رسانی پایدار در بخش‌های مسافری و باری، بر ارتقای بهره‌وری، افزایش ایمنی، کاهش زمان سیر قطارها و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های شبکه ریلی تأکید کرد. به گزارش ریل ایران، نشست کمیسیون عالی گراف در روز دوشنبه دوم شهریور با حضور میر حسن موسوی قائم‌مقام مدیرعامل راه‌آهن، معاونان و مدیران ستادی به صورت حضوری و مدیران کل مناطق به صورت برخط در ساختمان مرکزی شهرداری راه‌آهن برگزار شد. میر حسن موسوی در ابتدای این نشست، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهیدان رجایی و باهنر و فرارسیدن هفته دولت و همچنین میلاد حضرت رسول اکرم (ص) و امام جعفر (ع) داد که راه خانواده بزرگ صنعت ریلی تیربک گفت. قائم‌مقام مدیرعامل راه‌آهن همچنین با قن‌ردانی از تلاش شیشه‌روزی کارکنان راه‌آهن و شرکت‌های حمل‌ونقل ریلی، پایدار نگه داشتن چرخه خدمت‌رسانی ریلی در بخش‌های مسافری و باری را با وجود محدودیت‌ها و آسیب‌های وارده‌شده به زیرساخت‌های ریلی در جریان حملات دشمن آمریکایی – صهیونیستی، کاری بزرگ و شایسته تقدیر ویژه دانست.